

فرصت‌های دیجیتالی در فضای سایبر و مسئله حقوق بشر

دکتر مهدی خلف‌خانی*



چکیده

در این مقاله، نویسنده فضای سایبر را ادامه روشنگری دانسته و به بررسی تأثیرات شرایط جدید بر قبض و بسط حقوق بشر پرداخته است. از این‌روی ضمن بررسی فرصت‌های دیجیتالی ایجاد شده به بررسی چندبعدی موضوع پرداخته و نهایتاً جمع‌بندی مشخصی را ارائه می‌نماید. از دید نویسنده، فضای جدید ایجاد شده هم فرصت برای تکمیل پروژه ناتمام مدرنیته و روشنگری و هم فرصتی برای نظارت‌های پاناپتیکونی (فراگیر) دولت به مردم فراهم شده است. نویسنده معتقد است که شرایط جدید ایجاد شده، دولت‌ها را در اعمال تمام عیار قدرتشان محدود نموده، ولی این موضوع به معنی حل معمای حقوق بشر نیست. بنا به نگرش نویسنده، دولت‌ها مهمترین ناقض حقوق بشر بوده‌اند، توجیهاتی چون توسعه اقتصادی، امنیت و خاص‌گرایی ایدئولوژیکی مهمترین متمسک دولت‌ها برای محدودسازی حقوق مردم بوده است. راقم این سطور، عمومی شدن استفاده از شبکه جهانی اینترنت و دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی پخش شده از طریق ماهواره‌ها، مهمترین چالش دولت‌ها برای اعمال حاکمیت مطلق و غیرقابل تجزیه دولت‌ها بوده و از این‌روی تلاش‌های وسیعی توسط دولت‌ها برای بازسازی حاکمیت در فضای سایبر آغاز شده است. بحث‌های اخیر در ارتباط با راهبری اینترنت نیز در همین راستاست، البته این موضوع زمینه‌ای برای طرح اهمیت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی و نقش آنها در راهبری آتی این حوزه شده است.

کلید واژه‌ها

اینترنت، عصر منطقه‌گرا، سایبر دموکراسی، جامعه کامپیوتریزه شده، حقوق بشر، ایدئولوژی، خاصیت نشانگی و نظارت‌های فراگیر (پاناپتیکونی).

* فارغ‌التحصیل مقطع دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

مقدمه

حقوق بشر به‌واسطه جریان‌ات متعدد پیش برده شده است. روشنگری،^۱ انقلاب صنعتی، انقلاب در حوزه نانو بیوتکنولوژی،^۲ ایدئولوژی‌های سیاسی، جهانی شدن^۳ و نهایتاً فضای سایبر^۴ جریان مهمی برای توسعه حقوق بشر محسوب شده و امیدهای بسیاری برای حل مسئله جهانی حقوق بشر ایجاد نموده‌اند.

موج اول روشنگری و نهضت بزرگ رفورماسیون و پروتستانیسم، بدون شک مهمترین جریان بزرگ ایجاد شده در مقابل تفکر اسکولاستیکی و مدرسی قرون وسطی و مهمترین جریان در توسعه انسان نوین و حقوق بشر بوده است. ظهور رومانیتیزم، فاشیسم و توتالیتاریانیسم دستاوردهای مدرنیستی روشنگری و به‌ویژه دستاوردهای حقوقی آن را زیر علامت سؤال قرار داد. ظهور ایدئولوژی‌های دگماتیستی، روشنگری را به‌پروژه ناتمام تبدیل ساخت، اما این موضوع به‌معنی پایان حقوق بشر نبود. در مراحل بعدی جریان‌ات بزرگ دیگری شکل گرفتند که در درون خود با آنتی‌ت‌های متعددی مواجه شدند. هر یک از این جریان‌ات بزرگ کمک زیادی را در توسعه و بسط حقوق بشر ایفا نمودند. آنتی‌ت‌های رقیب نیز تا آنجا که می‌توانستند بر جریان‌ات بزرگ فشار آورده و حتی برای مدتی پروژه حقوق بشر را به‌تعطیل ساختند.

از سوی دیگر، امیدها به‌ظهور و پیشرفت‌های فنی جدیدی بسته شد. امیدواری از این بابت بود که تولید کارخانه‌ای و انبوه به‌مسئله قانون کمپابی که زمینه تعارضات مدنظر مارکسیسم بود، پایان یابد. برای مدت‌های مدیدی مواجهه با طبیعت، دغدغه اساسی انسان‌ها بود. نوع‌آوری‌های فنی، مهار طبیعت را از کانون دغدغه‌های انسان خارج و به‌یاری دانش نوین، توازن به‌نفع انسان‌ها تغییر یافت. این تغییرات هم دستاوردهای متعارضی را به‌وجود آورده، به‌گونه‌ای که امیدها به‌اینکه انقلاب صنعتی بتواند به‌معیشت مردم سامان دهد با ناکامی مواجه و یا نتیجه آن در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت. سرانجام نتیجه آن بدتر شدن وضع روستاییان مهاجر، ایجاد حاشیه‌نشینی و بعدها بحران‌های متعدد و شورش‌های خیابانی بود.

اما ایدئولوژی‌های سیاسی، ایجادکننده امیدواری‌های جدیدی بودند. برای مدتی تمامی امیدها به‌این بسته شد که ایدئولوژی‌های سیاسی بتوانند در عمل چاره‌ای برای معمای حل نشده حقوق بشر باشند. ناکارآمدی ایدئولوژی‌های وابسته به‌چپ و راست جهانی در حل مسئله حقوق انسانی بر یأس‌ها و ناامیدی‌ها افزود. ایدئولوژی‌های ایجاد شده به‌دلایل متعدد و به‌ویژه خاصیت نشانگی‌شان به‌جای پرسازی شکاف‌های سیاسی و حقوقی میان شهروندان، بر عمق شکاف‌ها در بهره‌مندی از حقوق مردم افزودند. مارکسیست‌ها، لیبرال دموکراسی، فاشیسم و سوسیالیسم با تمامی ادبیات تئوریک و فلسفی که به‌وجود آوردند، نتوانستند چاره‌گشای معضل آرمان صلح و برابری بشری شوند. بنابراین، جامعه آرمانی که لیبرال دموکراسی، مکانیسم بازار و دست‌نمائی که آدام اسمیت لیبرال قول آن را می‌داد، نتوانست چاره‌ای برای فقر فزاینده مردم بیاندیشد و هر روز بر عمق شکاف‌ها در نظام کاپیتالیستی و در حاشیه قرارگیری عده زیادی از شهروندان افزوده شد. سوسیالیسم و کمونیسم هم در عمل با مشکلات

1. Enlightenment
2. Industrial Revolution
3. Globalization
4. Cyber Space

جدی و اساسی مواجه شدند. نتیجه استقرار کمونیسم، ظهور نومانکلاتورها (طبقات جدید) در کشور شوراها، تبعید مخالفان و اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری بود. پرونده راست رادیکال، فاشیست‌ها و نازیست‌ها هم معلوم بود. اردوگاه‌های کار اجباری، ژنوساید اقلیت‌های قومی و مذهبی، هولوکاست و کشته و آواره شدن میلیون‌ها نفر دستاورد فاشیسم بود.

بنابراین ایدئولوژی‌های سیاسی در عمل نشان دادند که قابلیت بسیار کمی را برای برقراری عدالت سیاسی، اجتماعی و حقوقی دارند و این موضوع به دلیل ساخت متعارض و پارادوکسیکال ایدئولوژی‌های سیاسی است. خاصیت نشانگی، یکسویه‌گی و تقلیل‌گرایی افراطی معضل مهمی بود که کارآمدی ایدئولوژی‌های سیاسی را با چالش مواجه می‌ساخت. نتیجه این موضوع آن بود که نمی‌شد امید زیادی به ایدئولوژی‌ها برای حل مسئله حقوق انسان‌ها بست، به عبارتی دیگر، ایدئولوژی‌های سیاسی به پایان خط رسیده بودند. این موضوع برای تمامی ایدئولوژی‌ها چه چپ و راست صادق بود و تنها به فاشیسم و کمونیسم فرانسوی فوکویاما محدود نمی‌شد.

اما در فضای پسامدرنیسم، جامعه شبکه‌ای شده، جامعه کامپیوتریزه شده و جامعه مجازی وضعیت مبهم حقوق بشر ادامه یافت. از سوی دیگر، توسعه فناوری‌های جدید، نظیر تکنولوژی اطلاعات، نانوتکنولوژی، نانو بیوتکنولوژی و کامپیوتر مناسبات جدیدی را طلب نموده و موجب ایجاد اشکال جدیدی از اجتماعات، جامعه‌پذیری، شهروندی و سیاست گردید. پیامد این تحولات افزایش تعامل سازنده بین جوامع و مجاورت مجازی (از طریق چت‌روم‌ها، اینترنت، انفورماتیک و ماهواره) بود که امیدواری‌ها برای حذف موانع سنتی توسعه قواعد عام حقوق بشر در سطح جامعه جهانی و میان نوع انسان‌ها را افزایش داد.

نوآوری در زمینه نانو بیوتکنولوژی، امیدواری‌های جدیدی را سبب شد که در نهایت این موضوع هم به‌یأس منجر گشت. این نوآوری‌ها ضمن اینکه بیانگر فرصت‌های جدیدی برای تمامی انسان‌ها جهت مقابله با معضل فقر، بیماری، مرگ و مشکلات اعصاب و روان بود، مسبب دو قطبی شدن فزاینده جهانی و ملی بین دارندگان این تکنولوژی‌ها و ندارها بود. از سوی دیگر مسئله تغییر و دستکاری ژنوم مباحث سیاسی و اخلاقی زیادی را برانگیخت. از دید گروه ETC¹ نانو تکنولوژی می‌تواند نابرابری بین فقیر و غنی را توسعه دهد. این گروه معتقدند که نگرانی درباره پیشرفت‌های انجام شده در این زمینه از آن بابت است که توسعه و پیشرفت در این زمینه می‌تواند موجب از بین رفتن حقوق بشر شده و تهدیدی برای دموکراسی باشد. گروه مذکور پیش‌بینی نمود که در آینده نخبگان حاکم دارای ظرفیت بقای نامحدود² خواهند بود و به‌برادر بزرگ سازماندهی سایبرنتیکی³ تبدیل خواهند شد.⁽¹⁾

مقاله حاضر با توجه به مقدمه فوق به دنبال پاسخ به این سؤال است که فضای سایبر و مجازی ایجاد شده می‌تواند موجب بسط حوزه عمومی و هویت جدید (انسان نوین) و زمینه مناسبی برای توسعه حقوق بشر، مردم‌سالاری و فرهنگ نوین جهانی شود؟ به عبارتی دیگر تا چه اندازه می‌توان به آزادی بخش بودن تکنولوژی‌های جدید امید بست؟ نگارنده معتقد است که تحولات فنی باعث قرینگی بیشتر میان مردم و گسترش نظام‌مند روابط بین جوامع

1. گروهی از متخصصان اروپایی که مشغول مطالعه تأثیرات اجتماعی - سیاسی نوآوری‌ها در زمینه نانو بیولوژیک هستند.

2. unlimited surveillance capacity

3. big cyborg brother

در زمینه‌های معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری می‌گردد. از سوی دیگر، فضای سایبر زمینه مثبتی را برای ایجاد احساس مشترک (وابستگی عاطفی) دانش مشترک (رموز فرهنگی) رابطه مشترک (چگالی تعاملات چندگانه) و منابع مشترک (انحصار منابع ارزشمند) و بسط حوزه عمومی فراهم می‌کند. (نظریه سیستمی و ساختی کارکردی و نظریه حوزه عمومی هابرماس)

رویارویی نظری در باب تأثیرات سیاسی و اجتماعی فن‌آوری‌های جدید

مهمترین نظریات در رابطه با تأثیرات فن‌آوری‌ها در سیاست را می‌توان در اثر کلاسیک افرادی چون دورکهایم، کارل مارکس، جورج زیمل، ماکس وبر، آدرنو، هایدگر، هانا آرنه، هارولد پرکینز، موریس دورژه، آنتونی گیدنز، فرانسیس فوکویاما، الوین تافلر، دریدا، فوکو، هابرماس، مارکوزه، لیوتار، پاتریش آبردین و کارل دویچ مشاهده نمود. کارهای موریس دورژه و کتاب برجسته وی به نام جامعه‌شناسی سیاسی از منابع مهمی بوده که برای چندین دهه مورد توجه قرار گرفته است. اندیشه‌های آنتونی گیدنز جامعه‌شناس و به‌ویژه کتاب‌های جامعه‌شناسی و پیامدهای مدرنیته ایشان تلاش‌های آکادمیک برای تبیین تأثیرات مدرنیته بر حیات اجتماعی و سیاسی است.

در حوزه علوم اجتماعی مهمترین بحث‌های اساسی در این زمینه را می‌توان در اندیشه‌های مکتب فرانکفورت و در نظریه‌پردازان آن چون هابرماس، مارکوزه و ... و پست‌مدرنیسم و اندیشمندان آن چون میشل فوکو، دریدا، لیوتار یافت. آثار آلوین تافلر در باب‌جایی قدرت و کتاب موج سوم ایشان و آثار جان نیزبیت و پاتریش آبردین نیز به‌رویی پیامدهای جامعه‌شناختی تکنولوژی‌های جدید و آینده‌نگری سیاسی و اجتماعی متمرکز شده و در توسعه ادبیات سیاسی مرتبط با فن‌آوری‌ها کمک ارزنده‌ای را ارائه نموده است.

نظریه‌پردازان ارتباطات به‌ویژه مانوئل کاستلز با کتاب جامعه شبکه و کارل دویچ با کتاب کلاسیک ایشان تحت عنوان اعصاب حکومت^۱ ادبیات سیاسی مهمی در زمینه ارتباطات سیاسی و موضوع هم‌افزایی ماشین و انسان در عصر نوین فراهم نموده‌اند. نظریه‌پردازان حکومت‌های الکترونیکی که عمدتاً در حوزه ارتباطات و تأثیرات سیاسی ارتباطات به‌تفحص مشغول هستند نیز در زمینه توسعه این ادبیات سهم ارزنده‌ای را داشته‌اند. کتاب حکومت‌های الکترونیکی^۲، دموکراسی در عصر دیجیتال، کتاب جامعه اطلاعاتی و تکنو کالچر فرانک وبستر از زمره این کتب هستند. در حوزه مطالعات دموکراسی و فن‌آوری‌های نوین مقالات و کتاب‌هایی تحت عنوان سایبر دموکراسی^۳ و دموکراسی در عصر دیجیتال به‌چاپ رسیده‌اند. اثر اخیر فرانسیس فوکویاما تحت عنوان آینده پسانسانی و بحث‌های جدید مطرح شده توسط هابرماس در مورد تأثیرات اخلاقی تغییر ژنوم از مهمترین آثار تدوین شده در سال‌های اخیر است که به‌پیامد توسعه و رشد روزافزون نوع‌آوری‌های جدید در علوم نانو بیوتکنولوژی بر حوزه سیاسی و اجتماعی متمرکز شده که رویکردی آینده‌نگرانه در پیش گرفته است. کار فرانسیس فوکویاما، سناریوسازی در مورد آینده انسان در عصر بیوتکنولوژی و علوم زیستی

1. Nerves of government
2. Electronic government
3. Cyber democracy

است. کتاب ایشان اثر ارزنده‌ای برای توسعه مطالعات علوم سیاسی به‌حوزه‌های نوین و نیز رویارویی با چالش‌های علوم سیاسی در عصر جهانی شدن، عصر پسا وستفالیا و پسامدرنیته و گام مهمی همچون تلاش‌های افرادی چون جورج اورول، هاکسلی، جان نیزبیت، پل کندی، پاتریش آبردین و آلون تافلر برای بررسی و پیش‌بینی آینده است.

به‌هر صورت، پیچیدگی، ابهامات و غیرقطعی بودن پیش‌بینی‌های نظری در رابطه با مسیر روندها و جریاناتی که نوآوری‌های فنی ایجاد می‌نمایند، موجب مواجهه و رویارویی دو طیف آنتگونیستی در باب شرایط جدید ایجاد شده در فضای سایبر گشته است. طیفی که با دیدی خوشبینانه به‌پیامدهای اجتماعی و سیاسی فن‌آوری‌ها برای توسعه قواعد عام حقوق بشر، دموکراتیزه شدن و توسعه حوزه عمومی می‌نگرند و شامل تکنوفیل‌ها^۱ و دموکرات‌ها هستند که به‌دنبال توضیح فرآیند دموکراتیزه شدن در فضای سایبر می‌باشند. اصطلاحاتی چون سایبر دموکراسی، مشارکت سایبر، مبارزات انتخاباتی سایبر، رأی‌گیری سایبر، مبارزه با فساد سایبر، ارتباطات سایبر، سازماندهی سایبر و حکومت‌های الکترونیکی مفاهیم به‌کار رفته در ادبیات سیاسی این نظریه است. از نظر این دسته، فضای سایبر (مجازی) موجب توسعه حوزه عمومی جدید به‌جای فضای فئودالیزه شده هابر ماس می‌شود. از دید این گروه، شرایط نرم‌افزاری ایجاد شده و به‌ویژه دیجیتالایسم، باینری شدن انتقال اطلاعات، شرایط مناسبی را برای رشد ارزش‌ها، نمادها و رموز فرهنگی، معیشت و نظام فکری مشترک فراهم می‌آورد.

طیف دوم، شامل تکنورثالیست‌ها، لودیست‌ها و نئولودیست‌ها هستند. اینان پیامد رشد تکنولوژی‌های جدید را منفی ارزیابی می‌کنند و معتقدند که با تجربه‌های موجود نمی‌توان امید زیادی به‌این تکنولوژی‌ها بست. طیفی از بدبینان، از بین رفتن انحصار قدرت دولت‌ها در فضای جدید را زمینه‌ساز توسعه نهادهای فراملی و نیروهای به‌هم‌زننده نظم در سطح داخلی و بین‌المللی می‌دانند و معتقدند که در نتیجه این تحولات، نیروهای جدید می‌توانند با استفاده از خلأ فقدان دولت و نیروی اجبار دولتی به‌نیروی ناقض حقوق انسان‌ها تبدیل شوند. این گروه را با کمی تسامح می‌توان دولت‌گرایان و حقوق بین‌الملل‌گرایان نوینی نامید که به‌دنبال توسعه نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و توسعه اختیارات و مقررات جدید برای پُرسازی شکاف‌های ایجاد شده در عصر جدید هستند. هابرماس و دیوید هلد از این جمله‌اند که معتقدند جهانی شدن زمینه‌ای برای تضعیف دولت - ملت‌ها است و با تضعیف دولت - ملت‌ها پایگاه شکل‌گیری دموکراسی‌ها یعنی دولت از بین می‌رود. از این‌روی از پایان دموکراسی در عصر پساوستفالیا صحبت می‌کنند. البته هابرماس در نوشته‌های جدید خود از ایجاد کولونی‌های جدید در فضای اینترنت و وبلاگ‌ها صحبت نموده است. از دید هابرماس، اینترنت موجب ایجاد فضای عمومی برای گفتگوهای دموکراتیک شده و همانند قهوه‌خانه‌ها و کتابخانه‌های عصر روشنگری، فضای جدیدی را برای روشنگری فراهم می‌آورد.

به‌هر صورت آرای تمامی این اندیشمندان را می‌توان در قالب دیدگاه‌های نورماتیو (هنجاری) دیستوپین‌ها، نتوآینده‌گرایان، تکنورثالیست‌ها، تکنوفیل‌ها، لودیست‌ها، دموکرات‌ها و نئولودیست‌ها طبقه‌بندی کرد که به‌شرح مختصری از آن می‌پردازیم:

• دیستوپین‌ها^۲ ظهور فن‌آوری‌های نوین را با احتیاط و هشیاری دنبال می‌کنند و معتقدند که فن‌آوری‌ها می‌تواند

1. Technophile
2. Dystpians

- زمینه‌ای برای ایجاد آشوب و ناآرامی در حیات سیاسی و اجتماعی گردند. اندیشه‌های عمده دیستوپین‌ها منبعث از فلاسفه پدیدارشناسی^۱ و از آرای فلاسفه‌ای چون ادموند هوسرل و مارتین هایدگر است.
- نئوآینده‌گرایان^۲، وارث آرای نامحدود آینده‌گرایان هستند. نئوآینده‌گرایان، ایمان بدون انتقادی به پیشرفت دارند و معتقد هستند که نوآوری‌های جدید، زمینه‌هایی را برای آینده امیدبخش فراهم می‌آورد. جان نیزبیت (جهان ۲۰۰۰) و الوین تافلر (شوک آینده و موج سوم) از پیش‌قراولان آینده‌گرایی نوین هستند.
 - تکنورئالیست‌ها^۳ گروهی از متخصصین فنی، ژورنالیست‌ها و دانشگاهیان^۴ هستند که به بررسی تأثیرات فن‌آوری‌های نوین بر حیات اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. آرای تکنورئالیست‌ها میان آرای سایبر اتوپینسیم^۵ و نئولادیسیم^۶ قرار دارد.
 - لادیسیم، به معنی اعتراض‌کنندگان به‌استفاده از تکنولوژی‌های نوین اطلاق می‌گردد. در دهه ۱۸۱۰ جمعی از کارگران کارخانه‌ها در انگلیس معترض به‌استفاده از ابداعات نوین برای تولید در کارخانه‌ها بودند، این کارگران طرفداران شیوه‌های سنتی تولید بودند.

حقوق بشر در فضای مجازی

جهانی شدن اقتصاد و دموکراسی و در کل جهانی شدن عام دارای تأثیرات متناقض ناست. در این قسمت به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات طیف‌های متعددی پرداخته و در پایان، کار خود را به فضای سایبر معطوف می‌نماییم.

نگاه سلبی به فضای سایبر و حقوق بشر

عمده دیدگاه‌های منعکس‌کننده ابعاد منفی فضای سایبر در برگیرنده تحلیل و نقدهای اکونومیستی، نهادی، مارکسیستی، نئومارکسیستی، پسامدرن و اخلاق‌گرایان است. از نظر افرادی که بر جنبه‌های اخلاقی موضوع متمرکز شده‌اند، مهمترین نگرانی این است که در جنبش شبکه‌ای شدن مدنی (از طریق تکنولوژی جدید ارتباطات) تکنولوژی جدید فرصتی برای انتشار ادبیات تروریستی^۷، انتشار سخنرانی که نفرت عمومی را توسعه می‌دهد و نیز وسیله‌ای برای انتشار تصاویر پورنوگرافی و هجوآمیز (افتراآمیز)^۸ می‌باشد.

از دید نهادگرایان، دیجیتالی شدن اطلاعات، موجب زوال ابزارهای قانون‌گذاری می‌شود. برای پایان دادن به ابهامات و چالش‌های فوق، سیاستمداران درباره چگونگی حمایت از شهروندان از هرگونه داده‌ها، اطلاعات، تصاویر پورنوگرافی و دیگر داده‌های تهجمی در محیط دیجیتالی کوشش‌هایی را آغاز نموده‌اند. در سال ۱۹۹۶،

1. Phenomenology
2. Neo futurists
3. Technorealists
4. Academics
5. Cyber Utopianism
6. Neo Luddism
7. Terrorist Literature
8. Libellous

کمیسیون اروپا سند یا صفحه سبزی^۱ برای حمایت از اقلیت‌ها و شخصیت انسانی در الکترونیک و رسانه‌های اطلاعاتی تدوین و اقداماتی را برای مبارزه علیه اطلاعات غیرقانونی و مضر در اینترنت آغاز نموده است. هدف سند سبزی، ایجاد چارچوبی برای خود تنظیمی و هماهنگ‌سازی قانون‌گذاری ملی موجود به‌جای تحمیل مقررات جدید در این حوزه است. بعضی از این اقدامات شامل تواناسازی سرورها به‌ارایه آدرس‌های بی‌نام^۲ برای استفاده‌کنندگان اینترنتی و مسئله پنهان‌سازی^۳ است.^(۳)

سازمان ملل نیز به‌ابتکار کوفی عنان، دبیرکل اسبق سازمان ملل به‌تدابیر نوینی در این زمینه مبادرت نموده است. مهمترین اقدامات، در زمینه راهبری اینترنت بوده که توسط چندین حوزه و به‌ویژه از طریق ICANN برای حل و فصل مناقشات نام‌ها، تدوین پیش‌نویس کنوانسیون از طرف شورای اروپا در مورد جرایم فضای سایبر مانند کلاهبرداری، کپی‌رایت، هرزه‌نگاری کودکانه و تعرض‌های گوناگون به‌امنیت شبکه و از اقدامات مهم آن صدور و تصویب اعلامیه‌ای تحت عنوان آزادی ارتباطات در اینترنت بوده است. دیگر اقدامات در زمینه راهبری اینترنت شامل:

- اقدام کمیسیون سازمان ملل در مورد قانون تجارت بین‌الملل^۴ که مدل حقوقی از تجارت الکترونیک برای نظم بخشیدن و یکپارچه‌سازی حقوق تجارت بین‌الملل تصویب نموده است.
- اقدامات سازمان جهانی مالکیت معنوی^۵ که به‌موجب آن حقوق بشر و حقوق مربوط در حوزه رسانه‌های دیجیتال روزآمد شده و این حقوق تحت عنوان معاهدات اینترنتی WIPO رسمیت یافته است.
- تصویب معاهده TRIPS از طریق سازمان تجارت جهانی که با نقض کپی‌رایت به‌عنوان یک مانع تجاری برخورد می‌کند و از اعضای این سازمان می‌خواهد تا حداقل استانداردهای حمایتی و الزامی را تصویب و ترویج کرده که می‌تواند در مورد تعارضات مبتنی بر اینترنت نیز اجرا شود.
- تصویب قانون حمایت بین‌المللی از مصرف‌کنندگان توسط کمیسیون تجارت فدرال ایالات‌متحده که اساساً برای اعمال حقوق فراملیتی در مبادلات اینترنتی پیشنهاد شده است.
- از سوی دیگر شورای اروپا برای قانون مند کردن محتوای وب‌سایت‌ها، نظام‌های بین‌المللی مرتبط با اینترنت را نشان و در مواردی هم‌پوشانی آنها را به‌تصویر می‌کشاند.^(۴)

از دیدگاه مارکسیست‌ها و نئومارکسیست‌ها به‌ویژه آرای افرادی چون پیتر ویلکن و هربرت شیلر رسانه‌های ارتباطی، حوزه هژمونی سرمایه‌داری و کاپیتالیسم و ابزار اساسی سرمایه‌داران برای افزایش سودهای کلان آنهاست. از دیدگاه ایمانوئل والرشتاین این موضوع به‌دلیل تعارض درونی در اقتصاد جهانی کاپیتالیستی است. اگرچه جهانی شدن کاپیتالیستی دارای پتانسیل‌های بسیاری برای توسعه حقوق بشر است، ولی حمایت و توسعه حقوق بشر هدف اساسی کاپیتالیسم نیست، چون حمایت از طبیعت و انسان در زمره اهداف اساسی سرمایه‌داری نمی‌باشد. هدف اساسی کاپیتالیسم، نفع شخصی برای سرمایه‌داران و در حال حاضر برای شرکت‌های بزرگ در نظام مالی جهانی است. بر این اساس، مفهوم رفاه انسانی^۶ در ایدئولوژی سرمایه‌داری، افزایش کالا، اجناس مادی و ثروت است، نه

1. Green paper
2. Anonymous
3. Encryption
4. Uncitrai
5. WIPO
6. human welfare

توسعه خوشبختی برای نوع انسان. از این‌روی مفهوم رفاه انسانی، مفهومی ماتریالیستی و فردگرایانه دارد. از نظر این گروه، هدف اساسی سرمایه‌داری، حرکت تدریجی فرآیند سودهای مالی از طریق نظام بازار آزاد است. انتظار می‌رود که مسئله حقوق بشر بعد از فرآیند رشد عمومی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

آنها می‌افزایند که بین حقوق بشر و جهانی شدن از لحاظ مفهومی و معنایی هم تعارض اساسی وجود دارد، برای اینکه حقوق بشر به دنبال احترام به انسان و شخصیت انسانی بدون توجه به ملاحظات مادی است. جهانی شدن نئولیبرال بر جستجوی سود نامحدود^۱ بنا شده است. از این منظر، جهانی شدن کاپیتالیستی موجب توسعه حقوق بشر نخواهد شد. از دید این گروه در حال حاضر جهانی شدن نئولیبرال در پشت صحنه زمینه نابرابری میان ملت‌ها و دولت‌ها را فراهم می‌آورد. نتایج جهانی شدن کاپیتالیستی، کاهش امکان تحقق واقعی حقوق بشر در بسیاری از زمینه‌ها در سراسر دنیا است. از دیدگاه این افراد، جهانی شدن کاپیتالیستی به صورت ذیل موجب تعلیق و توقف توسعه پروژه حقوق بشر خواهد شد:

- تسلط کاپیتالیسم بر اقتصاد، تولید، تجارت و خدمات؛
- سرمایه مالی متحرک الکترونیکی به سرعت اقتصاد کشورها و مناطق را بی‌ثبات می‌سازد؛
- افزایش فقر میان ملل، کم شدن امکانات و وسایل زندگی و کاهش خود اعتمادی اقتصادی؛
- افزایش نابرابری درآمد و ثروت در میان و در داخل کشورها؛
- افزایش بدهی ملل فقیر و کشورها و بیکاری بلندمدت در مناطق ویژه^۲؛
- گسترش فرهنگ رقابت و مصرف‌گرایی؛
- کنترل رسانه‌های دسته‌جمعی جهانی به وسیله تعدادی از اشخاص و شرکت‌ها؛
- تأثیر سیاسی این نوع جهانی شدن، کاهش قدرت مقابله دولت در ملل فقیر و کاهش فزاینده سوبسید برای نیازمندان است.
- گسترش بزه‌های اجتماعی، جرایم و خشونت.^(۵)

از دید این گروه از آنجا که رسانه‌های دسته‌جمعی و فضای مجازی تحت کنترل سرمایه‌داران می‌باشد و برای اهداف آنها به کار می‌رود، نمی‌توان امید زیادی به آزادی بخشی آن داشت.

از منظر نئومارکسیستی و نگاه گرامشیستی و آلتوسری، در فضای مجازی و در عصر ارتباطات و اطلاعات هژمونی دولت خود در فضای جدید بازسازی می‌گردد. از این دیدگاه، هژمونی دولت در فضای سایبر با ابداعات اختراعات جدید از بین رفته و دولت‌ها تلاش‌های بسیاری را به عمل خواهند آورد تا مجدداً هژمونی خود را برقرار نمایند. از منظر آلتوسری و گرامشیستی انقلاب انفورماتیک و سایبرنتیک شدن ارتباطات، چالش‌های جدیدی در دستگاه ایدئولوژیک دولت است. از این منظر، تداوم سلطه رسمی با برقراری هژمونی مجدد در بخشی از دستگاه آسیب‌دیده ایدئولوژیک یعنی رسانه‌های دسته‌جمعی ممکن خواهد شد. به دلیل توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی دولت انحصار خویش را بر روی سوژه‌های خود در ساخت دولت - ملت‌های وستفالیایی از دست داده

1. Un limited
2. Endemic

است. بنابراین رسانه‌های دسته‌جمعی بر اساس تحلیل فوق هم چالش‌هایی را برای هژمونی قدرت و طبقات مسلط در بستر دولت ایجاد می‌کنند و هم وسیله‌ای برای تداوم سلطه هژمونیک قدرت هستند.

در این رابطه لازم به توضیح است، در صورتی که دولت‌ها، هژمونی خویش را در دستگاه ایدئولوژیک خود برقرار ننمایند ما به پایان سوژه‌گی از طریق قسمتی از دستگاه ایدئولوژیک دولت مواجه خواهیم شد و در صورت احیای قدرت دولت، وضعیت پیش‌روی مبهم خواهد بود.

می‌دانیم تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی، ارتباطی و اینترنت انحصار دولت را برای برقراری هژمونی بر سوژه‌هایش کاهش داده است. تمامی تلاش‌های اخیر در راستای بازآفرینی و بازتولید مجدد سلطه خواهد بود. دستگاه ایدئولوژیک دولت با مشکلات متعددی مواجه است و مسئله سوژه‌ها مسئله‌ای مبهم خواهد بود. شاید بتوانیم از بحران هژمونیک و سوژه‌ها صحبت نماییم. تکنولوژی‌های جدید، منابع سوژه‌گی متفاوت و متکثر شده هستند. افراد به‌هدف دستگاه‌های متعدد سوژه‌گی تبدیل شده‌اند. تکثیر منابع و رسانه‌ها موجبات ایجاد بحران در دستگاه‌های ایدئولوژیک شده که این موضوع با بحران در دولت‌های مذهبی، کلیسا، صلح و ستفالی و سکولاریستی شدن فزاینده در رژیم‌های سیاسی آغاز و به آموزش و نهایتاً به رسانه‌های دسته‌جمعی و دستگاه هژمونیک قدرت و سوژه‌گی سرایت و فروپاشی این دستگاه، موج جدیدی را ایجاد می‌نماید. از این‌روی تلاش‌های چندجانبه‌ای در راستای احیای مجدد هژمونی توسط دولت آغاز شده است. با توجه به مطالب ذکر شده، نظریه نئومارکسیستی از دو بُعد قابل استفاده است. اگر فرصت‌های دیجیتالی، امکانات و فرصت‌های نوینی را برای کنترل ایجاد نمایند، عصر جدید، عصر بازتولید دیکتاتوری‌ها و سوژه شدن نرم خواهد شد. برخلاف این موضوع، اگر فرصت‌های دیجیتالی بتواند دستگاه ایدئولوژیک دولت را به چالش بکشد، می‌توان گفت که ما به پایان هژمونی در قسمتی از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت خواهیم رسید که این به معنی پایان دولت‌های وستفالیایی خواهد بود.

شلتون، در مباحثی که ارائه نموده، جهانی شدن را پدیده‌ای چندبعدی و در برگیرنده فرآیندی به هم پیوسته که دارای پویایی است، می‌داند. از دید ایشان، جهانی شدن باعث تعمیق و توسعه مراودات فرامرزی از طریق توسعه تکنولوژی، ارتباطات و رسانه‌ها می‌گردد. این معادلات و روابط متقابل در همه سطوح حکومت و میان کارگزاران غیردولتی رخ داده و باعث ایجاد وابستگی متقابل جهانی می‌گردد. از دید وی، جهانی شدن با وابستگی متقابل، بی‌نظمی و تسلط بازار همراه می‌شود که موجب انتقال مسئولیت‌های دولت‌ها به کارگزاران غیردولتی می‌گردد.

همچنین وی معتقد است که جهانی شدن در برگیرنده نفوذ فرآیند بازارهای مالی بین‌المللی و نهادهای فراملیتی چون شرکت‌ها در تعیین سیاست‌ها و اولویت‌های ملی است. تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان نیروی مسلط در نظام تولید جهانی خواهد بود. در حالی که تجارت کالا، خدمات و ابزارهای مالی بیش از هر زمان دیگری در تاریخ غالب شده‌اند. این موضوع حاکمیت سنتی دولت‌ها را تهدید و نقض حقوق بشر را گسترش می‌دهد.

از دید پسامدرنیست‌هایی چون لیوتار، بودریار و فوکو آینده حقوق بشر در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. آنها معتقدند تکنولوژی‌های جدید ضمن اینکه موجب تکثر نشانه می‌گردند ولی به دلایل بسیاری دلالت معنایی نشانه‌ها به دلیل تکثر بیش از اندازه از بین می‌رود. از دید فوکویی، امکانات جدید زمینه‌ها و فرصت‌های نوینی را برای دولت‌ها

جهت نظارت‌های فراگیر و پاناپتیکونی فراهم می‌آورد. شاهد این موضوع ایجاد صنعت جدید، تحت عنوان مدیریت اطلاعات است که هدف اساسی آنها، دستکاری اطلاعات می‌باشد. از این منظر در شرایط جدید هیچ امکانی برای دسترسی به اطلاعات صحیح وجود نخواهد داشت. در همین رابطه به این خبر توجه کنید؛ بر اساس گزارش تلویزیونی بی.بی.سی از هر انگلیسی به‌طور متوسط روزانه ۳۰۰ بار عکس برداری می‌شود. این عکس برداری‌ها توسط ۴/۲ میلیون دوربین مداربسته صورت می‌گیرد که در اکثر نقاط شهرهای بریتانیا نصب شده است. این تعداد دوربین، یعنی یک دوربین برای هر ۱۴ شهروند بریتانیایی، یک رکورد کنترل امنیتی محسوب می‌شود. بی.بی.سی در خبری دیگر و به‌نقل از گزارش منتشر شده در لندن اعلام کرده است مردم بریتانیا از راه‌های گوناگون از جمله تلفن‌های همراه، کارت‌های اعتباری و دستگاه‌های هدایت ماهواره‌ای، رانندگان موسوم به سیستم‌های ناوبری، قابل ردیابی و کنترل هستند.^(۶)

فرصت‌های دیجیتالی و حقوق بشر

از دید بسیاری، جهانی شدن و به‌ویژه فرصت‌های ارتباطی و اطلاعاتی ایجاد شده فرصتی برای توسعه حقوق بشر و دموکراتیزه شدن است. پیتر وویچ^۱، مدیرعامل اسبق بانک جهانی از جمله افرادی است که به‌نقش مثبت جهانی شدن اعتقاد دارد. وی در این زمینه به‌نمونه‌هایی چون احداث سد در اوگاندا به‌وسیله شرکت‌های چندملیتی، ورود موزکاران اکوادور به‌بازارهای روسیه و چین اشاره می‌کند. از دید ایشان، جهانی شدن می‌تواند شرایط جدیدی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد نماید.^(۷)

جودیت بولو^۲، نیز معتقد است که آزادسازی تجاری، طبقه متوسط پیشرونده را در سراسر دنیا توسعه خواهد داد و همچنین تجارت، کارآمدی و ثروت را افزایش خواهد داد و بنابراین درآمد، انرژی بالقوه‌ای را برای حمایت از محیط‌زیست و حقوق افراد ایجاد خواهد نمود. تجارت باعث ایجاد شغل‌هایی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌شود. آزادسازی تجاری، تهدیدی برای جهان نیست و برعکس آن می‌تواند قسمتی از یک راه‌حل برای بسیاری از مسائل جهانی باشد.^(۸)

در رابطه با شرایط جدید جهانی شدن یان آرت شولت، اهمیت توسعه ارتباطات جهانی را به‌اندازه رواج صنعت چاپ در ۵۰۰ سال قبل، ابداع نوشتار در ۵۰۰۰ سال قبل، یا ظهور گفتار انسانی در ۴۰۰۰۰ سال قبل می‌داند. پولمین^۳، گتس^۴ و فرناندو هنریک کاردزو^۵، رئیس‌جمهور برزیل نیز معتقدند که تأثیرات هشیاری جهان در عصر معاصر به‌اندازه انقلاب کوپرنیکی در پانصد سال قبل است.^(۹) از دید یان آرت شولت، پیشرفت‌های فنی موجب تغییر در تولید و چگونگی تولید می‌شود. بسیاری از ناظران، اقتصاد جهانی را اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، دانش پس‌اصنعتی یا اقتصاد خدماتی می‌دانند. از دید سامیله^۶، فالک^۷، وریستون^۸ و ساسن^۹ جهانی شدن معاصر

1. Peter woick
2. Judith Bello
3. polmin
4. Gates
5. Fernando Henrique Cardoso
6. camiller
7. Falk
8. Wriston
9. Sassen

مانع از اقتدار و خودمختاری دولت‌ها می‌شود. افرادی چون کابل^۱، اشمیت^۲، هورسمن استرنج^۳، مارشال^۴، دون^۵، اوهماء^۶، خان^۷ و بومان^۸ پارا فرانتر گذاشته و بحران دولت‌های ملی و انقراض دولت‌های ملی را اعلام نموده‌اند.^(۱۱) از دید عده‌ای چون روزنا^۹، سزمپیل^{۱۰} و شولت^{۱۱} هارولد و هلد جهانی شدن موجب فاصله گرفتن سیاست‌های جهانی از الگوی حکومت دولت‌مدار و خودمختار (سیستم وستفالی)^{۱۲} شده است. از این منظر اگرچه دولت‌های ملی اهمیت اساسی خود را حفظ خواهند کرد اما حکومت بیشتر چند قشری خواهد شد و قدرت حکومتی به‌طور فزاینده‌ای به‌سازمان‌های فرعی دولتی و یا نیمه‌دولتی (مثل استانی و شهرستانی) و فوق‌دولتی (منطقه‌ای و فراج جهانی) و همچنین نهادهای دولتی تفویض خواهد شد. از دیدگاه جسوپ^{۱۳}، پانیتچ^{۱۴}، ایوانز^{۱۵} و شاو^{۱۶} جهانی شدن موجب تغییراتی در شکل و کارکرد دولت‌ها شده است.^(۱۲) از منظر فرهنگی که عمدتاً حول نوشته‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی سازمان یافته‌اند، سؤال این است که جهانی شدن موجب اهمیت بیشتر یا تفاوت بیشتر مردم با یکدیگر می‌شود؟ نظریه‌پردازانی چون همالینک^{۱۷}، تاملینسون^{۱۸}، تئودور لویت جهانی شدن را برحسب آزادسازی و غربی‌سازی تحلیل نموده و معتقدند که این فرآیند موجب نوعی همخوانی فرهنگی در سراسر جهان خواهد شد. از نظر لویت در هر جایی هر امری به‌طور فزاینده‌ای شبیه امور دیگر خواهد شد، زیرا ساختار سلیقه جهانی مدام همگن‌تر می‌گردد. از دید گوینو جهانی شدن اغلب شیوه‌های تحقیرکننده زندگی سنتی را در مواردی که از الگوی اصلی و حاکم دور می‌شوند، هماهنگ و یکنواخت کرده، در نتیجه گوناگونی و تنوع از میان رفته و به‌دوران پساملی^{۱۹} نزدیک می‌شود. گروه دیگر، جهانی شدن را معرفت فرهنگ جهانی واحدی مبتنی بر مصرف‌گرایی^(۱۳)، رسانه‌گرایی، امریکاگرایی و زبان انگلیسی می‌دانند. به‌همین دلیل این‌گونه همگون‌سازی بسته به‌دیدگاه شخص یا مستلزم جهان وطن‌گرایی پیشرو و امپریالیسم ظالمانه می‌دانند.

در مقابل برخی جهانی شدن را عاملی برای افزایش تنوع فرهنگی و چالش‌های تمدنی می‌دانند (مانند

1. Cable
2. schmidt
3. Horsman Strange
4. Marshal
5. Dunn
6. Ohmae
7. Khan
8. Bauman
9. Rosenau
10. Czempile
11. Scholte
12. Westphalia system
13. Jessop
14. Panitch
15. Evans
16. Shaw
17. Hamelink
18. Tomlinson
19. Post national age

هانتینگتون^(۱۴) از نظر افرادی چون گیدنز، جهانی شدن را با توسعه نوگرایی (سطح بالا، مترقیانه) مربوط می‌داند. معنای صفت‌های یاد شده این است که گسترش روابط جهانی موجب توسعه و تعمیق جای پای ساختارهای نوین مانند خردگرایی، دیوان‌سالاری، سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی شده است.^(۱۵) افرادی دیگر چون آکسفورد،^۱ لوک،^۲ او تواتایل^۳ پسامدرنیسم را دنیایی جهانی شده با ویژگی اطلاعاتی شده^۴، رسانه‌گرا^۵، فراحقیقی^۶، مجازی^۷ و شبیه‌سازی شده^۸ تجربیات اجتماعی تعریف کرده‌اند که در آن اشخاص احساس پایدار و آگاهی خود را از دست می‌دهند. از جانب دیگر، نویسندگان کتاب جهانی شدن و حقوق بشر با توجه به تحولات اخیر جهانی از وقوع^۳ روند اساسی در حوزه حقوق بشر صحبت می‌کنند که شامل:

- توسعه سه نسل از حقوق بشر.
- دومین تحول در زمینه رژیم حقوق بین‌الملل بوده، بدین ترتیب که با ایجاد مکانیزم‌هایی برای نظارت، مونیتورینگ و ایجاد کمیته‌های تخصصی تحت نظارت بین‌المللی در سطح سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و NGOها به‌حمایت فعال از حقوق بشر تأکید می‌شود.
- سومین تحول مسئله مهم تغییر رژیم حقوق بشر از نظام وستفالی بود که در آن دولت‌ها دارای حاکمیت بودند. مطابق نظام وستفالی، هیچ دولتی دارای حق مداخله در امور دیگر دولت‌ها نبوده که این امر در ماده ۲ بند ۷ منشور ذکر شده است. به‌ر حال برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که با اعطای حقوق به افراد و توسعه مفهوم حقوق بشر، حاکمیت دولت‌ها محدود می‌گردد.
- مهمترین نتیجه جهانی شدن و تحولات اخیر ایجاد شده این است که شرط مشروع تلقی شدن اقدامات دولت، برخورد مشروع با شهروندان است. از این منظر، دولت‌هایی که به حقوق افراد تهاجم می‌کنند دیگر نمی‌توانند پشت یک پوشش و ردا^۹ چون حاکمیت مخفی شوند.^(۱۶)
- عده‌ای معتقدند، تحولات جدید تکنولوژیکی ایجاد شده فرصت مناسبی برای توسعه موج جدید حقوق بشر ایجاد نموده است. این گروه از فرصت‌های دیجیتالی برای توسعه حقوق بشر نام می‌برند. قبل از تحولات دیجیتالی اخیر، شرایط حاکم امکان و فرصت‌های کمی را برای توسعه حقوق بشر فراهم می‌آورد، این موضوع به‌چند دلیل بوده است:
- دولت‌ها به‌عنوان مهمترین کارگزار، تهدیدی اساسی برای حقوق بشر بودند.
- حقوق افراد مقید به قلمرو بود.
- حقوق بشر در فضای سه‌بعدی (طول، عرض و ارتفاع) قابل توسعه بود.
- نقش عوامل جهانی و غیرقلمروی نسبت به موج سایبرنتیکی پایین‌تر بود.

1. Axford
2. Luke
3. O Tuathail
4. informational zed
5. Mediatized
6. Hyper real
7. virtual
8. Simulated
9. mantle

آکتورها و کارگزاران عمده این دوره را دولت‌ها، حاکمیت، انسان‌ها، جغرافیا و سازمان‌های بین‌المللی تشکیل می‌دادند.

در مقابل شرایط جدید و فرصت‌های دیجیتالی، قابلیت متمایزی را به‌وجود آورده که مهمترین آنها عبارتند از:

- نقش عوامل غیرقلمروی توسعه‌یافته است.
- دولت‌ها به‌عنوان کارگزار اساسی دوره قلمروگرایی، انحصار خود را برای اعمال حقوق از دست داده‌اند.
- عوامل غیرقلمروگر، کارگزاران و نیروهای مؤثر در قلمروگرایی را به‌چالش می‌کشاند.
- در این دوره، توسعه حقوق بشر تحت تأثیر فضای چهاربعدی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که عرض، طول و ارتفاع به‌همراه فضای جهانی ناشی از ارتباطات مجازی به‌توسعه حقوق بشر کمک خواهند نمود.
- در فضای چهاربعدی، نقش بعد چهارم یعنی بعد جهانی (کارگزاران خارجی) افزایش می‌یابد.
- در فضای موج دوم، به‌دلیل فن‌آوری‌های ایجاد شده، مردم از نیروهای غیرقلمروی برای توسعه آرمان حقوق بشر استفاده خواهند نمود.
- در دوره غیرقلمروگر، کارگزاران توسعه حقوق بشر هم از عوامل و نیروهای قلمروگر و هم غیرقلمروگر برای توسعه حقوق بشر استفاده می‌نمایند.
- نیروی غیرقلمروگر چون اینترنت، الگوی واحد و مشترکی را جهت عمل برای تمامی همه نیروهای فعال حقوق بشر ایجاد می‌نماید.

کارگزاران شرایط دیجیتالی جدید شامل اینترنت، انفورماتیک، کامپیوتر، ارزهای بین‌المللی، ماهواره‌ها، فضای سایبرنتیکی ایجاد شده از طریق مخابرات و ارتباطات از راه‌دور هستند.

اندیشمندی که به‌امکانات و قابلیت‌های شرایط جدید تأکید می‌کنند معتقدند که، فضای غیرقلمروگر (موج دوم روشنگری) حاضر، به‌جای اینکه فرصت برای دیکتاتورهای باشد، محدودیت‌هایی جدی برای دیکتاتورهای جهت اعمال خودسری‌های منحصرانه و غیرقابل کنترل فراهم خواهد آورد. انجمن آینده‌جایگزین^۱ در رابطه با شرایط جدید ایجاد شده معتقد به‌دو وضعیت زیر است:

- **تجارب اولیه:** از دید این مؤسسه، تجارب واقعی و مهمی در مدیریت حکومت‌ها در جهان و به‌ویژه در مناطق به‌هم پیوسته دنیا وجود دارد. این تجارب شامل تجربه رأی دادن، مشارکت سیاسی، ایجاد زمینه و زیرساخت‌های مشارکت و توسعه اشکال جدید برنامه‌ریزی است.
- **امکانات و چشم‌اندازهای آتی:** از نظر انجمن، امکانات سایبر دموکراسی در حد بالقوه‌ای هستند. فرصت‌های زیادی وجود دارد که با به‌کارگیری آنها وعده داده می‌شود ارزش‌های کلیدی دموکراسی توسعه داده شود. این ارزش‌های کلیدی شامل آزادی، مساوات، ثبات، حاکمیت اکثریت به‌همراه حمایت از اقلیت، مشارکت و تسهیم آرا هستند. به‌علاوه این امید وجود دارد که با توجه به‌ماهیت تکنولوژی، اطلاعات جمعی برای سیاست‌گذاری و تغییرات ضروری ممکن شود.^(۱۷)

- از دید انجمن آینده جایگزین، سایبر دموکراسی حداقل شامل پنج فعالیت ذیل خواهد بود:
- مدیریت سایبر^۱ یا حکومت الکترونیکی شامل استفاده از اینترنت و تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات برای افزایش خدمات حکومتی و تسریع در ارائه خدمات.
 - رأی دادن سایبر^۲ شامل رأی‌گیری از طریق اینترنت و نیز ارائه رأی به سیاست‌ها، ابتکارات و رفراندوم.
 - مشارکت سایبر^۳ تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، ارتباط متقابل شهروندان را توسعه می‌دهد، از آن جمله برگزاری اجلاس و میتینگ در شهر و گفتگوهای سیاسی الکترونیکی.
 - زیرساخت‌سازی سایبر^۴ شامل ارائه ابزار لازم برای توسعه اجتماعی روی خط، اجتماعی کردن نرم و فراهم آوردن ابزارهای مجازی برای توسعه مشارکت.
 - برنامه‌ریزی سایبر^۵ شامل استفاده از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات برای کمک به برنامه‌ریزی سیاسی از طریق تأسیس گروه‌ها، احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی و هرگونه فعالیت گروهی.^(۱۸)
- اندیشمندانی که به فرصت‌های دیجیتالی ایجاد شده برای دموکراسی شدن تأکید می‌کنند، باور دارند که فضای سایبر شرایط مناسبی را برای توسعه و دموکراتیزه‌سازی و جنبش شبکه‌ای شدن مدنی^۶ ایجاد و نتایج ذیل را به همراه خواهد داشت:
- عددی یا دیجیتالی شدن انتقال داده‌ها اجازه می‌دهد که صدا، نوشتار و تصویر از طریق شبکه انتقال داده شوند و با تضعیف مرزها گونه‌ای آزاد از ارتباطات را توسعه می‌دهند.
 - تکنولوژی جدید مترکم دیجیتالی، امکان انتقال کمیت عظیمی از داده‌ها را فراهم می‌آورد.
 - ورود شبکه‌ها با ظرفیت بالا^۷ با سیم (کابل‌های فایبر اپتیک،^۸ شبکه خدمات دیجیتال) همگرا شده (ISDN)^۹ و بی‌سیم (پخش ماهواره، انتقال مایکرو ویو^{۱۰}) دسترسی به اطلاعات را تسهیل نموده است.
 - توسعه تکنولوژی سوییچ کردن پیشرفته نظیر (ADSL)^{۱۱} موجب شده تا داده‌ها در هر جهت و با سرعت بسیار بالایی جریان یابند و ارتباطات متقابل با پهنای باند بلند^{۱۲} تسهیل گردد.
 - تکامل پروتکل‌های انتقال شبکه بخصوص آن قسمتی که با اینترنت مرتبط است، باعث شده که گونه‌ای جدید از مطالب به‌صورت جهانی و یونیورسال توسط تلویزیون و کامپیوتر شخصی (PC) در منزل دریافت شود.^(۱۹)
- انجمن مذکور و در کل طرفداران نقش دموکراتیک جنبش شبکه‌ای شدن مدنی از طریق توسعه تکنولوژی‌های

1. Cyber administration
2. Cyber voting
3. Cyber participation
4. Cyber infrastructure
5. Cyber agenda-setting
6. Civic networking movement
7. High capacity network
8. fiber optic cable
9. integrating service digital network
10. micro wave
11. Asymmetric Digital Subscriber loop
12. High bandwidth

ارتباطاتی معتقدند که فرصت‌های دیجیتالی منجر به:

- ایجاد کارآمدی و تسهیل دسترسی به اطلاعات می‌شود، بدین صورت که رسانه‌های جدید حجم و سرعت اطلاعات را افزایش داده و داده‌های جدیدی را به‌رژیم غذایی اطلاعات شهروندان خواهند افزود.
- تکنولوژی جدید می‌تواند اساسی را برای شهروندان جهت پاسخ به مشارکت سیاسی (دسترسی به اطلاعات) فراهم آورد و موجب آسان شدن مشاوره، بحث و رأی دادن شده و مشکل مشارکت چون آلیانسیون^۱، امتناع^۲ و بی‌علاقگی^۳ را حل می‌نماید.
- ارتباطات میانجیگری شده از طریق کامپیوتر CMC^۴ می‌تواند شرایط را جهت اقدام سیاسی جمعی برای گروه‌های بحث در زمینه‌های خاص^۵ تغییر و به‌صورت وسیعی هزینه چاپ و ارتباطات را کاهش دهد.
- شبکه خود استعاره یا تشبیهی^۶ از یک جامعه سیاسی نوین آنارشویستی است که در آن هویت سیاسی سنتی مقید به سرزمین و منافع بخشی و یا فرقه‌ای دچار فرسایش می‌شود و اشکال جدیدی از سیاست را به‌وجود می‌آورد که در آن مردم از اجبار دولتی رها می‌شوند. انقلاب نوین ارتباطاتی منجر به ارتباطات افقی^۷ بیشتر و ارتباطات کمتر عمودی^۸ می‌شود.
- جانشین شدن دریافت‌کنندگی فعال به‌جای دریافت‌کنندگی منفعلانه اطلاعات.
- CMC موجب زوال میانجی‌هایی چون (ژورنالیست‌ها، نمایندگان پارلمان و حتی احزاب) در فرآیند ارتباطات سیاسی و تصمیم‌گیری می‌شود. CMC به‌صورت مستقیم سری بودن و سانسور را محدود می‌سازد و سپس سوگیری‌های رسانه‌ای از طریق ارایه امکان برای نمایندگی مستقیم ترجیحات و منافع شهروندان حذف می‌گردد.
- در عصر جدید دموکراسی پولستر^۹ (با مراجعه به‌آرای عمومی) اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات، سیاست‌ها را قادر خواهد ساخت تا جایگاه واقعی و حقیقی‌شان را به‌عنوان شکلی از تحقیقات بازاری پیدا و با زوال ایدئولوژی، مردم را از قیود ایدئولوژی رها^{۱۰} نماید.
- CMC می‌تواند برخی از مسائل غامض و معماهای غیرقابل حل و دشوار^{۱۱} دموکراسی نمایندگی در عمل را حل نماید.^(۲۰)
- بریان (۱۹۹۶) و دوتان (۱۹۹۲) توسعه شبکه‌های جدید را از نظر کارآمدی، رقابت و اقتصاد محلی ارزیابی کرده و استدلال می‌کنند که دسترسی به سوپر اتوبان‌های اطلاعاتی موجب توسعه حوزه عمومی جدید می‌شود.

1. Almenaton
2. abstention
3. Apathy
4. Computer mediated communication
5. subject specific discussion group
6. metaphor
7. Horizontal
8. vertical
9. Pollster
10. unfettered
11. Dilemmas

- تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی به‌واسطه اتصال انبوهی از شبکه‌ها در سراسر جهان و با کاهش هزینه‌های نهایی^۱ ارتباطات، جهانی شدن را تسریع می‌نمایند.
- کشورهایی که از ضریب نفوذ بالای تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی برخوردارند، از ثروت و توسعه انسانی بالایی نیز برخوردار می‌گردند.^(۲۱)
- تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی وسیله مهمی برای توسعه هستند که می‌توانند در سطح خرد و کلان کشور استفاده و به‌افزایش کارایی و مشارکت در توسعه، ارتقا و بهبود شیوه حکومتی و کاهش هزینه ارایه خدمات منجر شوند. علاوه بر آن تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی این توان بالقوه را دارد که در صورت به‌کارگیری مناسب نقش باثباتی را در تسریع توسعه پایدار و پویایی اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه، ایفا کنند.^(۲۲)
- تکنولوژی اطلاعاتی می‌تواند با اشتراک‌گذاری اطلاعات و برقراری ارتباطات بین مردم و سازمان‌ها و نیز در داخل بدنه دولت در افزایش توانمندی شهروندان، مشارکت بیشتر و کارآمد آنها و شفاف شدن فرآیندهای دولت نقش داشته باشد. استفاده از تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی همچنین امکان دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های دولتی را گسترش می‌دهد. این کار از طریق کاربردهای دولت الکترونیک که خدمات و اطلاعات را از طریق اینترنت و سایر شبکه‌های ارتباطاتی به شهروندان ارایه می‌نماید، قابل انجام است.
- تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی از طریق ترغیب مبادله اطلاعات و برقراری ارتباطات با افراد و جوامع محلی، آنان را با اطلاعات و منابعی که خارج از مرزهای جغرافیایی آنها قرار دارد مرتبط می‌سازد. شهروندان از طریق تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی نظیر تابلوهای اعلانات الکترونیکی که مشارکت در مباحثات دولتی را میسر می‌سازد، به شرکت در فرآیند دموکراتیک (شرکت در تصمیم‌گیری دولتی) ترغیب می‌شوند. این فرآیند به‌ویژه برای افراد و گروه‌هایی که اغلب در حاشیه قرار دارند (زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی و مذهبی) مناسب است. آنها می‌توانند از این طریق به تبادل اطلاعات و خواسته‌های متقابل خود بپردازند و با جمع کردن نظرات و ایده‌ها، راه‌حلهایی مربوط و مناسب به‌خود را ارایه نمایند. برای مثال، اتحادیه‌های کارگری از اینترنت به‌عنوان ابزاری جهت سازماندهی جهانی نیروی انسانی برای مقابله با استثمار کارگران استفاده می‌کنند.^(۲۳)
- با گسترش اینترنت، پست الکترونیکی، خدمات تلفنی بین‌المللی ارزان، تلفن همراه و کنفرانس‌های الکترونیکی، اجزای جهان به‌هم پیوسته شده‌اند. اکنون هر نقطه از جهان که به اینترنت متصل شده می‌تواند به این منبع گسترده اطلاعات که رشدی شتابنده دارد و طیفی از علوم تا مسائل پیش افتاده را در بر می‌گیرد، دسترسی داشته باشد. این اطلاعات را می‌توان به راحتی انتقال داد و در مورد آن بحث کرد. همزمان، تلویزیون ماهواره‌ای و رسانه‌های الکترونیکی رکن چهارم دموکراسی تمام‌عیار جهانی را ایجاد می‌کنند.^(۲۴)
- جهانی شدن موجب افزایش به‌هم پیوستگی جهانی و رشد فعالیت‌های غیرقانونی بین‌المللی شده است. این افزایش چشمگیر به‌روشنی‌های مختلف بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد که برخی از آنها قابل پیش‌بینی و برخی پیش‌بینی نشده‌اند. یک دگرگونی مهم افزایش آگاهی جهانی است. اکنون مردم تمامی نقاط جهان آگاهی بیشتری از رویدادها و مسائلی که در هر نقطه رخ می‌دهد، دارند که این امر موجب گسترش بسیار زیاد آگاهی

1. Marginal cost

از نابرابری‌های جهانی در زمینه استانداردهای زندگی، فرصت‌های زندگی و حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شده است. از نظر مردمی که در بخش‌های نسبتاً محروم زندگی می‌کنند، این وضعیت هم انتظارات آنها را بالا می‌برد و هم تحمل شرایط زندگی‌شان را پایین می‌آورد. این امر احتمالاً عامل مهمی در گسترش دموکراسی و رشد تقاضا برای آزادی‌های سیاسی در کشورهایی است که این حقوق همچنان از مردم دریغ داشته می‌شود. دسترسی بیشتر به اطلاعات موجب می‌شود تا، گروه‌های فشار و رأی‌دهندگان آگاه‌تر و با روحیه انتقادی بیشتر ایجاد کرده که موهبتی برای بالا بردن دموکراسی است.^(۲۵)

• از دید فرهنگ رجایی، مهمترین تأثیر جهانی شدن این است که موانع مادی را از سر راه تأثیر و تأثر فرهنگی برداشته است، اما مردم هرچه بیشتر و بیشتر در بیش از یک فرهنگ زندگی می‌کنند. رجایی معتقد است که انقلاب اطلاعاتی شیوه و محتوای تولید و هر دو را تغییر داده و همچنین برداشت‌هایمان از زمان و مکان تغییر نموده است. شیوه تولید جدید بر خدمات و داده‌پردازی تأکید دارد. امری که در باب این شیوه تولید از اهمیت بسیاری برخوردار است این می‌باشد که در دسترس هر کسی است که از کار با رایانه و داده‌پردازی دانش پایه را داشته باشد. این نیاز اندک، دلالت‌های مثبت و منفی و هر دو را دارد. او در ادامه توضیح می‌دهد که از جهت مثبت، فن‌آوری اطلاعاتی به مراتب بیش از صنعت و تجددخواهی آزاد یا فارغ از ارزش‌گذاری‌هاست. از اینرو فن‌آوری پیدایش طبقات و گروه‌های جدید را با قلمرو تازه‌ای از پیوستگی‌ها، نه به تبعیت انحصاری از دولتی محدود تسهیل کرده است.^(۲۶)

• فرهنگ رجایی می‌گوید، جهانی شدن اویکومنه و تشکیلاتی از مردم سیاره ایجاد کرده که همبازی و هم‌صحبت هستند. مانند پولیس که مردم را برابر نکرد، اما فرصت‌های برابر ایجاد نمود و به هر فردی نوعی و مرتبه‌ای از فرصت‌ها را بخشید.

• فوکویاما، معتقد است جامعه‌ای که حول اطلاعات ایجاد شده موجب ایجاد چیزهایی بیش از دو امر است که مردم در مردم سالاری جدید، ارزشمندتر از هر امر دیگری می‌شناسند، یعنی آزادی و برابری و آزادی انتخاب در هر چیزی از کانال تلویزیونی گرفته تا خرید اجناس ارزان قیمت تا دوستانی که در اینترنت دیدار می‌کنند. این باعث شده سلسله مراتب‌ها از هر سنخ، سیاسی و تشکیلاتی، زیر فشار قرار گرفته و خرد شوند.^(۲۸)

• از دید فرهنگ رجایی، اینترنت، سایبر اسپیس^۱ (فضای سایبرنتیک) را ایجاد نموده است که در آن ارزیابی انتقادی از چگونگی اعمال قدرت ممکن شده است.^(۲۹)

• از نظر [رجایی] جهانی شدن به رشد جامعه مدنی کمک می‌کند. شبکه به حوزه عمومی تبدیل شده، هر چند که به نظر عده‌ای فقط حوزه عمومی مجازی است. در مجامع ساینتفیک امریکن^۲ ادعا شده که هر روز به طور تقریبی بالغ بر یک میلیون صفحه الکترونیکی به صدها میلیون صفحه که فعلاً در دسترس آن‌لاین‌های^۳ جهانی می‌باشد، افزوده شده است. شبکه جهانی از طریق گسترش دامنه بحث و میدان دادن به شرکت‌کنندگان بیشتر در آن در تقویت آزادی با ایجاد گزینه‌های بیشتر و توانایی بخشیدن به مردم در انتخاب این‌گونه گزینه‌های برابری مؤثر بوده است.^(۳۰)

1. Syberspace
2. Sceintific American
3. Online

- نیزبیت، معتقد است تردیدی نیست که ارتباطات از راه دور و رایانه‌ها نیروی رانش و پیشرو تغییرات و تحول جهانی را در طی نخستین دهه‌های قرن بیست‌ویکم تأمین خواهند نمود. همان‌گونه که در طول دوره صنعتی شدن اروپا صنایع و کارخانه‌های نیروی رانش تحولات اجتماعی و اقتصادی را تأمین می‌کردند.^(۳۱) از دید وی اینک شالوده‌های نظام واحد اطلاعاتی از بزرگراه‌های اطلاعات بین‌المللی در حال استوار شدن است. در زمینه ارتباطات از راه دور، ما به‌سوی شبکه اطلاعاتی واحد به‌مقیاس سرتاسر جهان پیش می‌رویم، درست همان‌گونه که از نظر اقتصادی نیز همه به‌شکل یک بازار مشترک جهانی در آمده‌ایم. ما به‌سوی عصری در حرکت هستیم که قادریم هر چیزی را به‌هر کسی در هر کجای دنیا و به‌هر شکلی که مایلیم با سرعت نور منتقل نماییم، مانند صدا، تصاویر، رقم، عدد یا دستنوشته‌ها. نیزبیت می‌نویسد که، برخلاف دیدگاه‌های جورج اورول در رمان ضدآرمانشهری (۱۹۸۴) و پیش‌بینی آلدوس هاکسلی در اثرش به‌نام دنیای جدید بی‌باک و خوش‌خیال که معتقد بودند خودکامگان برای تحت نظارت قرار دادن مردم الزاماً باید اخبار و اطلاعات را تحت کنترل قرار دهند، زیرا اطلاعات و معلومات یعنی قدرت، پیش‌بینی‌های جورج اورول و آلدوس هاکسلی به‌واقعیت نپیوست، تلویزیون جهانی همراه با نوارهای ویدئویی عملاً قدرت دیکتاتوری‌ها را در هم شکست.^(۳۲) از دید او تلویزیون جهانی و نوارهای ویدئویی آخرین دستاورد تکنولوژی پخش انفرادی محسوب می‌گردد.
- جورج گیلدر، می‌نویسد برخلاف پیش‌بینی قدرت‌طلبان یکه‌تاز، تکنولوژی جدید به‌جای آنکه کنترل قدرت را به‌سوی بالا بکشاند و در اختیار برادر بزرگ قرار دهد، کنترل قدرت را به‌طرف پایین کشانده و در اختیار مردم قرار داده است. در عصر کنونی، همه دنیا از ناتوانی فزاینده امپریالیسم، تجارت پیشگان زراندوز^۱ و دولت‌پرستی (اتاتیسم) بهره‌مند خواهند شد. امروز قدرت خلاقیت و ارتباطات افراد بسی بیشتر و گسترده‌تر از قدرت نیرومندترین پادشاهان اعصار گذشته است.^(۳۳)
- نیزبیت، می‌نویسد که پیشرفت‌های ایجاد شده در زمینه کامپیوتر، الکترونیک و اینترنت شرایطی را ایجاد نموده که نوعی سرزمین داخلی الکترونیکی^۲ در سراسر کشورهای پیشرفته جهان بخصوص آمریکا پدید آورده که افراد را قادر می‌سازد در شهرهای کوچک و یا حتی در مناطق روستایی، زندگی و فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به‌ثمر رسانند.
- مهمترین ویژگی جامعه جهانی جدید این است که اگر جامعه صنعتی دنیای مردانه است، درهای جامعه اطلاعاتی به‌روی همه افراد تحصیل کرده و تعلیم دیده اعم از زن و مرد باز خواهد بود. از سوی دیگر، اهمیت روزافزون فرد است. نیزبیت در مورد اهمیت روزافزون فرد معتقد است که ماهیت نظام‌های اقتصادی مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات کانون توجه را از دولت به‌سوی فرد جابه‌جا نموده است. برخلاف نظریات ملهم از کتاب جورج اورول (۱۹۸۴) کامپیوتر نه تنها کنترل دولت بر افراد را فشرده نکرده بلکه بر عکس اهمیت و قدرت افراد را استحکام بخشیده و از قدرت دولتی به‌شدت کاسته است. او می‌گوید: به‌موازات جهانی شدن

1. mercantilism
2. electronic heartland

اقتصاد، افراد قدرتمندتر و پراهمیت‌تر از زمانی می‌شوند که در عصر صنعت به سر می‌برند.^(۳۵) از دید نیزیبت در جامعه مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات زنان چه به‌عنوان کارگر و کارمند و چه به‌عنوان صاحبان مشاغل آزاد و کارگر دست بالا را دارند. امروزه برای رسیدن به سطوح رهبری در امور بازرگانی و کسب‌وکار، دیگر مرد بودن امتیاز محسوب نمی‌شود. او در ادامه می‌افزاید در اوضاع و احوالی که اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات بر دنیای توسعه یافته حاکم شده، محیط کسب‌وکار و تولید به کلی تفاوت یافته است. اگر مردان، نمونه مشخص کارگران عصر صنعتی محسوب می‌شوند، اما در عصر اطلاعات عملاً زنان هستند که نمونه مشخص نیروی کار محسوب می‌گردند. از دید نیزیبت، سازمان‌بندی اداری و تولیدی در عصر اطلاعات نوعی نظام داوطلبانه است. مدیریت از طریق قدرت‌نمایی به کلی منتفی است و اقتدارگرایان فقط خودشان را از کار بی‌کار می‌کنند. وی معتقد است که الگوی مدیریت نظام هنوز هم بر فرمان‌ها و امر و نهی‌های بی‌چون و چرا استوار است. اما رهبری سازمان‌های حرفه‌ای و تخصصی عصر اطلاعات باید وفاداری بی‌چون و چرا را جلب کند و احساس تعهد را به‌وجود آورد و عزت و احترام را همچون جایزه‌ای پرازش دریافت دارد.^(۳۶)

نتیجه‌گیری

در شرایط اخیر ایجاد شده، همه تحت تأثیر امواج دیجیتالی قرار گرفته‌اند. در ازمنه قدیم به دلیل نقش حاکمیت مطلق که دولت‌ها داشتند، تنها گروه‌های مسلط از حقوق استیفا می‌نمودند و گروه‌های غیرمسلط از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در حاشیه قرار می‌گرفتند. اما امروزه در نتیجه تحولات و نوآوری‌های تکنولوژیک، انسان وارد عصر همگرایی دیجیتالی^۱ شده است. شرایط جدید ایجاد شده مشارکت مجازی در فضای چتروم‌ها و اینترنت بین افراد را فراهم نموده است. امروزه نقش دولت‌ها در جوامع توسعه یافته و نیافته شمال و جنوب به‌عنوان نهاد محافظه‌کاری^۲ که حامل و انعکاسی از ارزش‌های جمعیت مسلط و گروه‌های هژمون در چارچوب ملت - دولت‌ها بوده، زیر سؤال رفته است. رقیب امروز دولت‌ها دیگر تنها گروه‌های قومی، جمعیت‌های مجزای فرهنگی، اقلیت‌های دینی، فرق سیاسی، گروه‌های طرفدار حقوق بشر محلی نیست. نیروهای دیجیتالی، رقیب جدید دولت‌ها شده‌اند که دولت‌ها و ایدئولوژی آنها را به‌چالش کشانده‌اند. شرایط ایجاد شده گروه‌های مسلط و غیرمسلط را در مقابل موج جهانی شدن دیجیتالی و اقتصادی آسیب‌پذیر نموده و قابلیت‌های دولت‌ها برای مواجهه با امواج سایبرنتیکی که تهدیدکننده منابع محافظه‌کاری‌شان می‌باشد را کاهش داده است. نگارنده معتقد است که به‌رغم فرصت‌های دیجیتالی ذکر شده، حقوق بشر به‌عنوان معمای حل نشده باقی خواهد ماند، این موضوع دلایل متعددی دارد. در فضای جدید شبکه‌ای شده سایبر (مجازی) تا زمانی که دولت تنها کارگزار و نیروی سازمان‌دهنده فضای عمومی باشد، اگر فضای سایبر بازگوکننده منافع سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ باشد، اگر مردم و گروه‌های مستقل نقش کمتری را در فضای سایبر ایفا نکنند، اگر حاکمیت انحصاری در اداره این فضا حفظ شود، امکان جدیدی در اختیار دولت‌ها و گروه‌های هژمون دیگر چون نهادهای سرمایه‌داری و سایر نهادها برای نظارت‌های

1. Digital integration
2. conservative institution

پاناپتیکنونی^۱ قرار خواهد گرفت و نتیجه این موضوع قبض حوزه حقوق عمومی و خصوصی و بازتولید اقتدارطلبی به‌اشکال مدرن چون شبه‌اقتدارگرایی، شبه‌دموکراسی‌های جدید و دموکراسی‌های صوری خواهد بود.

آینده توسعه حقوق بشر در فضای دیجیتالی مشروط به‌وجود نیروهای مستقل برای سازماندهی اطلاعات، شکسته شدن انحصار دولت‌ها در سازماندهی اطلاعات و اخبار، از بین رفتن نقش انحصاری سرمایه‌داری، امکان ایجاد امنیت برای گفتار، نقش مردم در تدوین برنامه‌ها در فضای دیجیتالی، کاهش شکاف دیجیتالی بین جمعیت‌ها در دسترسی به اطلاعات در فضای سایبر خواهد شد. به‌عبارتی در فضای سایبر، فرصت‌های دیجیتالی بالقوه‌ای برای انتقال اطلاعات و ارتباطات چندسویه از طریق چت‌روم‌ها در اینترنت، سایت‌های مستقل اینترنتی، برنامه‌های ماهواره‌ای دیجیتالی به‌عنوان قهوه‌خانه‌ها، سالن‌ها و محافل بحث حوزه عمومی هابرماس که این کارکرد انتقادی و پرورش‌دهنده حوزه عمومی جهانی هستند، فراهم شده است. بالفعل شدن این فرصت‌ها و ایجاد حوزه عمومی جهانی در مقابل حوزه عمومی‌بردار بزرگان سازماندهی سایبرنتیکی مشروط به موارد زیر است:

- تمرکززدایی زبانی در اینترنت و ایجاد امکان مناسب برای همه زبان‌ها جهت حضور در اینترنت؛
- رفع مشکل جهانی فقر و فقرزدایی به‌عنوان پیش‌شرط دسترسی به فضای موجود؛
- ایجاد پیش‌نیازهای آموزشی اولیه در سطح جهانی برای بهره‌مندی از فضای سایبر؛
- متکثرسازی فنی و زبانی فضای سایبر؛
- ممانعت از بازسازی مجدد دستگاه ایدئولوژیک دولت و ایجاد زمینه لازم برای سهیم شدن نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی در تنظیم و تولید دانش در این فضا؛
- ممانعت از شکل‌گیری برادر بزرگان سازماندهی سایبرنتیکی چون سرمایه‌داران، گروه‌های نخبگان و دولت بر فضای سایبر؛
- پایان دادن به‌سلطه اروپامحورانه بر فضای سایبر با تمرکززدایی فنی و سیاسی در فضای سایبر.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Wood Stephen, Jones Richard, Geldart Alison, **the social and economic challenge of nanotechnology**, E.S.R.C, economic and social research council. p. 34.
- 2- Wilhelm, Antony G., *Democracy in The Digital Age*, Challenges to Political Life in Cyber Space. Printed in 2000 by Routledge, New York, P15.
- 3- Tsagarousianon, Roza, Damian Tamini and Cathy Bryan, **Cyber democracy, technology, cities and civic network**, first published 1998 by routledge, p.14.
- ۴- **مجموعه مقالات، راهبری اینترنت، مشارکت فراگیر**، مترجمان علیرضا کاشیان، امیرحسین جلالی فراهانی، احمد شریفی، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، صص ۱۰۴-۱۰۷.
- 5- **Html/globalization and human solidarity.com**
- ۶- **روزنامه ایران**، سال دوازدهم، شماره ۳۴۸۸، شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۴، ص ۴.
- 7- R.czinkota, Michael, a.Ronkainen, Iika, a.Ronkainen, Michal, **international business**. Harcourt college publishers. sixth edition. 2002. p. 3.
- 8- **www.Protecting human right in a globalized world by Dima shelton. htm**.
- ۹- شولت، یان آرت، **نگاهی موثکافانه به پدیده جهانی شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲.
- ۱۰- شولت، یان آرت، **همان**، ص ۱۳.
- ۱۱- شولت، یان آرت، **همان**، ص ۱۵.
- ۱۲- شولت، یان آرت، **همان**، ص ۱۶.
- ۱۳- شولت، یان آرت، **پیشین**، ص ۱۷.
- ۱۴- شولت، یان آرت، **پیشین**، ص ۱۸.
- ۱۵- شولت، یان آرت، **پیشین**، ص ۱۹.
- 16- Coicaud, Jean marc, Doyle, Michael W. and Gardne, Anne – Marie, **The globalization of human rights**, United Nations university press, 2003. p. 3-2.
- 17- *Cyber democracy 2001: global scan for Vivendi universal prospective*, by alternative future associates, **www.altfutures.com**. p. 1.
- 18- *Cyber democracy 2001: global scan for Vivendi universal prospective*, by alternative future associates, **www.altfutures.com**. p. 2.
- 19- Tsagarousianon, Roza, Damian Tamini and Cathy Bryan, **Cyber democracy, technology, cities and civic network**, first published 1998 by routledge, p. 3.
- 20- Tsagarousiano, Roza, Damian Tamini and Cathy Bryan, **Ibid**, pp. 6-7-8.
- ۲۱- ایجاد توسعه پایدار، **گزارش نهایی مؤسسه فرصت‌های دیجیتال** (جولای ۲۰۰۱)، ترجمه نصرالله جهان‌گرد، انتشارات گل‌واژه، سال ۱۳۸۴، ص ۲۱.
- ۲۲- ایجاد توسعه پایدار، **همان**، ص ۲۳.
- ۲۳- ایجاد توسعه پایدار، **همان**، صص ۳۶-۳۷.
- ۲۴- جمعی از نویسندگان، **کمیسیون جهانی بررسی جهانی شدن، جهانی شدن منصفانه، ایجاد فرصت برای همه**، ترجمه عبدالاحد علیقلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۸۴، صص ۳۷-۳۸.
- ۲۵- جمعی از نویسندگان، **همان**، صص ۳۷-۳۸.
- ۲۶- رجایی، فرهنگ، **پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول، سال ۱۳۸۰، ص ۶۸.

- ۲۷- رجایی، فرهنگ، همان، ص ۸۳.
- ۲۸- رجایی، فرهنگ، پیشین، ص ۱۲۲.
- ۲۹- رجایی، فرهنگ، همان، ص ۱۳۶.
- ۳۰- رجایی، فرهنگ، همان، ص ۱۳۸.
- ۳۱- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، **دنیای ۲۰۰۰، سیاست، اقتصاد و فرهنگ در قرن بیست‌ویکم**، ترجمه موفقیان، تهران: انتشارات نی، ص ۲۹.
- ۳۲- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، همان، ص ۴۶۶.
- ۳۳- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، همان، صص ۴۶۹-۱۶۷.
- ۳۴- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، همان، ص ۶۹.
- ۳۵- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، همان، ص ۱۴۸.
- ۳۶- نیزبیت، جان و آبردین، پاتریشیا، همان، صص ۳۳۲-۳۴۲.